

شش‌شنبه

روزنامه‌ایست اخلاق و ادبی و سلك مستقیمش تربیت نسوان و دوتیزه‌گاز و تصفیه اخلاق زنان و غیره و غیره است . . .

گذاری به

● دانش، روزنامه‌ایست اخلاق

بحال دختران و نسوان و بگل

می‌یابد.

نشریه‌ی دانش در شناساندن مشرب و منش و روش خود، آموزش خانه‌داری، بچه‌داری و شوهر داری، یعنی علوم ضرور و سودمند به حال زنان پنداشته شده - از سوی فرهنگ‌های مردسالارانه - را به عنوان محور و مسیر تکاپوی خود بر می‌شمارد و برای پذیراندن کوشش اجتماعی و حرفه‌ای خود در محدوده‌ی مرزهای مردانه - یعنی کار مطبوعاتی - نتیجه‌ی کارش را تداوم بخش و بهینه ساز نقش خانگی زنان می‌نگارد و حسن نیت‌اش را در تحکیم استواری بخشی سنت‌های مرد سالارانه نشان می‌دهد و اخلاقی بودن مندرجات نشریه‌اش را بدین وسیله تضمین می‌کند، و در فرجام برای تکمیل این تضمین می‌گوید: «در این نشریه به کلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن رانده نمی‌شود»

این جاست که مرام‌نامه‌ی نشریه‌ی دانش بیش‌تر به تهدنامه شباهت می‌یابد. و از همان آغاز به صراحت و صداقت متعهد می‌شود که از پلتیک و سیاست و امور مملکتی یعنی عرصه‌ی ویژه، اختصاصی و دلخواه مردان سخن نراند، چون نه تنها مردان، حضور زنان را در این عرصه‌ها بر نمی‌تابند که آن را از اساس به حال زنان مفید و سودمند نیز نمی‌پندارند و مهم‌تر آن که پرداختن به امور مملکتی را سهم و میراث خود (مردان) می‌دانند؛ از تمدن و فرهنگی ستوروز و جنگ افروز و تبعیض‌آمیز مرد ساخته و مردم‌محور.

بدین ترتیب نشریه‌ی دانش از آغاز گمان سهواستفاده از آزادی‌های حاصل شده به دست مردان (نه حاصل مناسبات و روابط نوین اجتماعی و سیاسی) را رد می‌کند و تعهد می‌سپارد که موجبات انحراف فکری، اخلاقی زنان و سست کردن بنیان‌های خانواده را با پراکنش اندیشه‌ی آزادی و رهایی زنان از حصار خانه، بچه و شوهر (داری) به سوی امور اجتماعی، سیاسی فراهم نیاورد و بر اندیشه‌ی ازلی - ابدی، جسری پردازش زنان به کارهای خرد تردیدی روا ندارد و درصدد آشنا کردن زنان با اندیشه‌هایی که بی‌آیندش استقلال و هویت یساقستن زنان باشد یا درگیری ذهنی آنان را از مسائل خرد به مسائل کلان هستی و اجتماع معطوف کند، نیباشد. و تنها زنان را در وظایفی که سنت و سنت‌سازان و سنت باوران و پاس‌داران آن بر وی واگذار کرده‌اند، توانا سازد؛

جریده دانش از پذیرائی مرضای چشم حاضر.

خانم دکتر کحال

□ □

در نخستین شماره‌ی دانش، زیر تصویر نام مجله (لوگوی دانش) مسلک، روش و منش مجله چنین توصیف شده است:

روزنامه‌ایست اخلاقی. علم خانه‌داری، بچه‌داری، شوهر داری، مفید بحال دختران و نسوان و بکلی از پلتیک و سیاست مملکتی سخن نمی‌راند

در شماره‌های بعد، زیر طرح نام مجله، همین مطلب - منش و روش مجله - با اندکی تغییر چنین نگارش یافته است:

روزنامه‌ایست اخلاقی و ادبی و مسلک مستقیمش تربیت نسوان و دوشیزگان و تصفیه‌ی اخلاق زنان است.

با این وصف، از همان آغاز مدیر مسئول در اعلام روش و منش مجله می‌کوشد، خاطر خود و دیگران را از هر گونه امکان درنوردیدن مرزهای سنت و درهم شکستن نقش و الگوی از پیش تعیین شده برای زنان، آسوده دارد و نشان دهد که سر آن ندارد تا پا از گلیم فراتر برده و نمی‌خواهد زنان را از حریم مقدس خانه به برون مفسده‌انگیز و عرصه‌ی رقابت مردانه در اجتماع و سیاست بکشاند.

نخستین صفتی که برای نشان دادن مرام و مسلک نشریه‌ی دانش به کار گرفته شد، اخلاق است. پس از آن برای ایضاح و روشن کردن چونی این اخلاق، علم خانه‌داری، بچه‌داری و شوهرداری و علوم مفید به حال دختران و نسوان، بسیار به جا و روشنگرانه افزوده شده است. در این هنگام است که چونی و چگونگی آن اخلاق، یعنی اخلاقی پاس‌دار سنت و سامانه‌ی مرد سالاری معنا می‌شود و نمود روشن

نشریه‌ی دانش، نخستین نشریه‌ی ویژه‌ی زنان بود که در سال ۱۳۲۶ خورشیدی، یعنی یکصد و دوازده سال پس از انتشار کاغذ اخبار، نخستین روزنامه در ایران و چهار سال پس از اعلان مشروطه - که بسیاری از افراد را دیوانه‌وار چون اسیرانی از بند رسته، به سوی روزنامه‌نویسی گرایاند - منتشر شد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول دانش، خانم دکتر کحال و سردبیر آن تا شماره‌ی چهارم فردی به نام ع. صفوت بوده است. دانش از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۷ خورشیدی (مطابق با ۱۳۲۸ تا ۱۳۲۹ قمری) در ۲۰ شماره منتشر شد و انتشار آن پس از فعالیتی یک ساله پایان پذیرفت.

درباره‌ی خانم دکتر کحال و چگونگی گذران و زندگی او مطلب درخوری نیافتیم، در آغاز که در کتاب‌های گونه‌گون درباره‌ی خانم دکتر کحال می‌خواندیم: «وی همسر دکتر حسین خان کحال بود، پنداشتم همچون نام کحال، عنوان دکتر نیز امتیازی از سوی شوهر است که امروزه نیز به زنانی که شوهرانشان پزشک یا دارنده‌ی مدرک دکترا باشند، اعطا می‌شود».

گذشته از بسیاری متن‌های بهداشتی و پزشکی در نشریه‌ی دانش که می‌توانست، حرفه‌ی دیگر و گرایش ویژه‌ی مدیر مسئول را نشانگر باشد، چاپ خبری درباره‌ی مطب و ساعت ویزیت خانم دکتر کحال در نشریه‌ی دانش، نشانه‌ی فاطمی بود، برای طرد آن ذهنیت نخستین مبنی بر همسر پزشک بودن او و قطعیت یافتن پزشک بودن خود وی:

اعلان

محکمه کحالی این خادمه ملت در خیابان جلیل‌آباد بود حالیه کمافی‌السابق همه روزه قبل از ظهر سوای جمعه در جزو اداره

ستین نشریه‌ی زنان در ایران

نه‌داری، بچه‌داری، شوهرداری، مفید

و سیاست مملکتی سخن نمیراند.

مطالب خود را به مقاله‌های مفید به حال زنان و دختران و در نتیجه تحکیم قهرمان‌های موجود در نظام مردسالار اختصاص داد.

مطالب مربوط به حفظ الصحه‌ی اطفال، طریقه‌ی غذا دادن به اطفال، اغذیه‌ی مناسب اطفال، طریقه‌ی شیر دادن به اطفال، یبوست مزاج و اسهال اطفال و چگونگی درمان و جلوگیری از آن، حمام بردن بچه و لزوم نگاه‌داری مستقیم بچه و به دایه سپردن وی و اهمیت تربیت اطفال بیش‌ترین و مفصل‌ترین بخش نشریه‌ی دانش را تشکیل می‌دهد:

حفظ الصحه اطفال

خدمت خانمهای عزیز مادر و دایه‌های اطفال عرض میشود قدری توجه فرموده این دستورالعمل را آویزه گوش فرمایند تا اطفال عزیز خود را قوی بنیه و سالم المزاج عمل آورده همه روزه مبتلا بضعف مزاج و ناخوشی اطفال نباشید و محتاج بطیب چندان نگردید.

بجهای ضعیف و بیمار اغلب بدخو و لجاج و گریه کن و قهرکن میشوند و نصف شب بیدار شده و گریه و زاری و بی‌قراری مینمایند - در خانه که چندین طفل باشد [اگر] در میان آنها طفل مریض نباشد همه بخوبی و خوشی با یکدیگر بازی میکنند اسباب زحمت نمیشوند برخلاف اگر یک نفر در میان آن اطفال باشد که مزاجش علیل باشد در میان آنها هزار قسم فتنه آغاز میکند و اسباب هزار قسم زحمت میشود چنین طفلی را بطیب نشان دادن و معالجه نمودن بهتر از کتک زدن است زیرا که کتک مزاج علیل او را سالم نخواهد نمود لکن دستورالعمل طیب او را صحیح نموده خواهید دید که دیگر از آن طفل بکسی زحمت نخواهد رسید - این هم مسلم است که علم بچه‌داری را در یک روز نمیتوان آموخت.^۷

(سرما خوردن اطفال)

... وقتیکه طفل سرما خورده است ولی تب

معاشرت با خانواده باشد اما در امور خاصه رجال از علوم پلئیکی و امور حیاتی فعلاً مداخله‌ی ایشان اقتضا ندارد.^۲

به هر ترتیب، اعلان صلح و آشتی مدیر مسئول در برشماری منش و روش مجله، ضرورتی حرفه‌ای و تدبیری برای حفظ حضور، بقا و ماندگاری نخستین نشریه‌ی زنان در ایران بود و از درک مناسبات و شرایط موجود زنان در آن زمان برمی‌خاست. شرایطی که اگر بر روی وی درهای کار حرفه‌ای اجتماعی، آن هم در درون مرزهای فعالیت مردانه را گشوده، دیگر درهم آشوفتن و پریش کردن سامانه و سازوکار سنت‌های مرد سالارانه را بر نمی‌تابد بلکه از این امکان، توقع تحکیم و استواری بخشیدن به آن مناسبات - به گونه‌ای برخاسته از شرایط روز - را پی می‌جوید.

نمونه‌هایی همچون میرزا حسین خان مدیر و نویسنده‌ی روزنامه‌ی عدالت (الحدید پیش از مشروطه) که از آزادی و رهایی زنان سخن راند و مردان آزادی‌خواه آن روز، روزنامه‌ی او را بستند و به سبب سخن راندن از رهایی زنان، او را از شهر راندند.^۵ دل عبرت بین دکتر کحال را، به عنوان نخستین مدیر مسئول روزنامه‌ی ویژه‌ی زنان، به نظر کردن از دیده‌ی وامی‌داشت و به او نشان می‌داد که از بن برکندن ریشه‌های قهرمان‌های مرد سالاری، مرد و زن نمی‌شناسد و هر کس با هر جنسیتی که بسامانی سامانه‌ی مرد سالارانه را نشانه رود و بر آن برآشوبد، حذف و دفع می‌شود.

□ □ □

نشریه‌ی دانش، در مسیر پاس‌داشت پیمان نخستین، یعنی حفظ چهارچوب‌های سنت و پذیرش ضوابط ساختار حاکم، بیش‌ترین مباحث و

برای اینکه خانمهای محترمت وطن و مادرهای عزیز صاحب عقل و فطن تعلیم خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری نمایم و بر دانش آنها بیفزاییم... این جریده موسوم به دانش را علی‌الحساب هفته‌ی یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش میسازم و برای تحصیل اخلاق حسنه خانمهای محترمه و تفریح و تفنن آنها در هر نمره ترجمه بعضی رمانها یا مطایبات را مندرج مینمایم.^۳

در دور نخست مذاکرات مجلس، کم‌تر از چهار سال پیش از انتشار مجله‌ی دانش، در نامه‌ای که گروهی از زنان با امضای محفوظ به مجلس فرستادند و از نمایندگان خواستند به وضعیت زنان در زمینه‌ی دانش آموختن و اشتغال رسیدگی شود، مجلس در حالی که بزرگوارانه، با گواه گرفتن حسین بشریت از حیث ادراک و شعور تفاوتی میان زن و مرد قائل نشد، امور سیاسی و پلئیکی را خاص مردان برشمرد و خانه‌داری و بچه‌داری... را ویژه‌ی زنان:

باید گفت که تربیت زنان در اموری که وظیفه شخصی آنهاست واجب است. از قبیل تربیت اطفال و خانه‌داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی از علوم مقدماتی و علومیکه راجع باخلاق و معاش و





نشان

روزنامه ایست اخلاق و ادبی و سلك مستشرقین ریخت نهران و موشیرگان و تئسیه اطلاق زنان و غیره و غیره است ...

ندارد نباید او را خواباند بلکه یک دوی کارکن مختصر باو بدهید و دو روز هم غذای سبک بدهید و اگر تب داشته باشد چند روز باید او را در رختخواب خوب بخوابانید دوانی بدهید که تب او را رفع کند باید مادرها همیشه سرایت سرماخوردگی را در نظر داشته باشند همینه یک طفلی سرما خورد ظرف و دستمال و رختخواب او را از اطفال دیگر سوا کنند اوقاتیکه طفل در بستر است باید گرم باشد اغذیه و اشربه آن گرم باشد از برای سرماخوردگی سردوانی مثل روغن یوکلپتس کمی باو از این مخلوط کرده دم سوراخهای دماغ او را گاهی چرب کنید خوب است

EUCAYPTUS
از قرار نسخه ذیل
1 Drachm
Vaseline 16 Drachm.
و چند قطره از روغن یوکلپتس به یخه پیراهن او اگر بزنید بسیار خوب است که در وقت نفس کشیدن بوی آن بهوا خورده میکرب آنرا کشته هوای تمیزی استنشاق میکردد.^۸

این نوشته‌ها که بهداشت کودکی و روش جلوگیری و درمان بیماری‌های کودکان رابه زنان می‌آموزد، بیش‌ترین و دریاست‌ترین نوشته‌هایی بود که در دانش، نخستین نشریه‌ی زنان در ایران، درباره‌ی مسائل و نیازهای زنان به نگارش درمی‌آمد. نمونه‌های بالا، زبان و گفتار ویژه، قابل توجه، دقیق و سواست گویی نویسنده‌ی این متن‌ها را در آموزش علم بچه‌داری فرادید می‌نهد.

پس از آموزش علم بچه‌داری و حفظ‌الصحه‌ی اطفال، آموزش خانه‌داری و رسم شوهرداری در میان مطالب دانش از اهمیت و کمیت بیش‌تری برخوردار است. بخوانیم روش خانه‌داری و رسم شوهرداری را از نخستین نشریه‌ی زنان در ایران:

* رسم شوهرداری *

... هرگز وعده‌ی که بشوهر میدهید خلف نکنید مگر با عذر موجه زیرا که خلف وعده موجب رنجش خاطر میشود.

دیگر اینکه همه روزه از شوهر پول نخواهید زیرا که پول خواستن سبب خفت خواهند و انزجار قلب شوهر میشود برای

● نخستین صفتی که برای نشان دادن منش و روش نشریه‌ی دانش به کار گرفته شد، اخلاق است البته با فراسنجه‌ی سامانه‌ی مردسالارانه.

نسوان اصرار ورزیده و الزام آن را با دلایل زیر اثبات می‌کند:

زیرا تمام موالید از حین تولد تا قرب ده سال کسب اخلاق و تربیت از مادرها می‌نمایند و تقلید از حالات و اخلاق آنها میکنند خاصه بنات که آنها نیز در آتیه امهات هستند و هرگاه مادرها صاحب اخلاق رذیله باشند ناچار اولاد صاحب اخلاق حسنه نخواهند شد. پس چه باید کرد که مادرها بتوانند از عهده این خدمت بخوبی برآیند؟^{۱۱}

و برای بیش‌تر اثبات کردن مدعای خود، به استشهاد از احادیث می‌پردازد:

باید عالم شوند که فرموده‌اند (طلب العلم فریضة علی کل مؤمن مؤمنه) یعنی تحصیل علم و دانش بر هر مرد و زنی واجب است (اطلبوا العلم ولو بالصین) طلب کنید علم را اگرچه آن علم در چین باشد.^{۱۱}

به این ترتیب دانش‌آموزختن زنان نیز وقتی می‌تواند پسندیده و پذیرفته شود که برای و در خدمت آن ساختار و فرقه‌های مردمدارانه باشد و محتوای آن دانش‌آموزی نیز بر کیفیت وظایف واگذار شده به زن در جامعه‌ی مرد سالار بیفزاید، نه آن که موجد پیشرفت و تعالی فکری خود زن، به عنوان انسان شود و بدین سان ضرورت دانش‌آموزی زنان نه قائم به خود آنان که به واسطه‌ی وابستگی‌شان به دیگران توجه و پذیرفته می‌شود.

معلمین تربیت اطفال مادران و خواهرانند. مداوای جراحات اجتماعی ما بسته بحسن اخلاق زنهای ماست، اگر زن‌ها و نسوان اندکی صاحب اخلاق حمیده بشوند، میتوان امیدوار شد که جراحات ما کم کم رو به بهبودی گذاشته و امراض اجتماعیمان یواش یواش معالجه میشود. اینسانهای آینده ما را بخوبی تربیت میکنند و حسن خلق را از کودکی و صباوت در ذهن اطفال را سخ می‌نمایند از همین حیث است که باید نسوان خودشان مربی اطفالشان باشند و به دست دایه‌ها نسپرند. طفل را فقط باید هنگام بمدرسه سپردن از خود جدا کرد.^{۱۲}

این که اگر زن‌ها اندکی صاحب اخلاق حمیده شوند، جراحات عمومی کم کم روبه بهبودی می‌گذارد و امراض اجتماعی معالجه می‌شود، افزون بر آن که ناخواسته زنان را فاقد اندک اخلاق حمیده (البته با فراسنجه‌های مردسالارانه) می‌شمارد، چیزی نیست جز اغراق و بسیاز و نامشایع عامدانه در حساس جلوه‌دادن و مخاطره‌آمیز نمودن تبعات عهده‌دار

مخارج لازم خودتان ماهیانه قرار بگذارید که فقط ماهی یکدفعه مطالبه آنرا بفرمایید. ... هیچوقت نزد کسی از شوهر بدگونی و شکایت نکنید خاصه نزد قوم و خویشها ... بعلاوه وقتی که شکایت شوهر را بمردم گفتم بگوش شوهر میرسد و از شما مکدر خواهد شد - لکن از خواص مرد است که شکایت خودش را از زن علی‌القوه بکسی اظهار نمیکند.

... زن باید اقوام شوهر را بیشتر مهمان نموده و بهتر از اقوام خودش آنها را پذیرایی نماید زیرا که مرد از این مطلب خوشحال میشود.

... در ترتیبات راحتی شوهر مواظب باشید مثلاً غذای او را بوقت حاضر ننماید و در زمستان کرسی یا بخاری او را گرم و حاضر بدارید اطاق را پاک و تمیز نگاهدارید کلیه طوری باشد که وقتی مرد وارد خانه میشود از هر جهت راحت باشد و طوری اسباب راحت خود را در خانه خود ببیند که با کمال میل و رغبت وارد خانه بشود نه اینکه پس از ورود یکی یکی مطالبه اسباب راحت خود را بنماید مثلاً او بگوید آتش بیاورید یا نهار بیاورید یا شام بیاورید در این صورت از ورود در خانه راضی نخواهد بود... شما اگر از جانی دلتنگی دارید وقتیکه شوهر وارد خانه شد با روی گشاده او را استقبال نموده تعارفات رسمانه را بجا بیاورید و آن اوقات تلخی را پنهان ننمایید مبادا مرد بیچاره هم از جای دیگر اوقاتش تلخ باشد وقتیکه خانه آمد بر اوقات تلخی او بیفزایید و حال آنکه باید رفع اوقات تلخی از او بشود.

... اگر از شوهر کاری دیدید که حقیقتاً غلط است و یا بعقیده شما غلط است بروی خود نیاورید و ایراد باو نگیرید زیرا از آن ایراد شوهر مکدر شده یا که سبب میشود که بعد از این کارهای خودش را از شما پنهان میکند و شما از کارهای او بی‌اطلاع خواهید شد.

... وقتی شوهر در خانه است خانم نباید بیرون برود و هر وقت بیرون میرود باید در وقت آمدن آقا خود را بخانه برساند بجهت اینکه وقتی آقا در منزل باشد و خانم نباشد دلتنگ خواهد شد... □□

در سراغ از نخستین شماره از دانش، مدیر مسئول بر ضرورت دانش‌آموزی و تحصیل علم، توسط طایفه‌ی

نقدن یا درست از عهده برنیامدن نقش انحصاری زنان، در تربیت فرزند و سلامت جامعه. این گونه مبالغه کردن درباره‌ی نقش پرورشی مادران و در صورت ناکامیابی، اغراق در وصف تبعات وخیم آن در جامعه، اگرچه به ظاهر در پی بزرگداشت و تعظیم نقش مادری زنان است اما پی‌آیند و هدف این اغراق، باز نگاه داشتن زنان و محدود کردن تکاپوی آنان، تنها در حیطه‌ی ویژه‌ی یاد شده، خواهد بود و این مبالغه و اغراق و بسيازوانمایی تأثیر اخلاقی تنها زنان، در تولید امراض اجتماعی، نشانگر حساسیت بیش از اندازه‌ی جامعه است برکنش و کردار زنان، بر مبنای واخواست‌های مسلم سنت و حفظ و صیانت اخلاق حمیده توسط زنان مطابق با فراسنجه‌های تعریف‌کننده‌ی اخلاقی در سامانه‌ی مرد سالارانه.

پس وقتی تربیت اخلاقی و اقبال تابع اخلاق و احوال مادران و همشیره‌گان باشد باید دانست که آیا آن مادران و خواهران را



اخلاق و اطوار چیست؟ باید فهمید که آیا ایشان هم خودشان را حاضر کرده‌اند که بایفای اینخدمت بپردازند؟ زنه‌ای ما آیا دارای آن قوه هستند که اطفال را بطوری تربیت کنند که طبعاً و وجداناً آزاد باشند و فکرشان همیشه درصدد اقدام باشد؟ آیا این مادرهای ما طوری تربیت شده‌اند که بتوانند اطفال را براستگوئی، حق‌پسندی، عدالتخواهی معتاد سازند؟ آیا دارای چنان قوه هستند که اطفال خود را قوی، نترس، واقف بحقوق اجتماع و مدنی، صاحب عزم، مستقیم‌الرأی، ثابت‌الفکر بار بیاورند؟ آیا میتوانند اطفال را قسمی بپروراند که فکر ارتقا و تکامل در مغزهایشان جایگیر شده باشد؟ آیا می‌توانند که طفل را طوری تربیت کنند که عازم تقلیب و تجدد دنیا بالاخره انسان بشود!

باکمال تأسف باید گفت که: خیرا...

پس بهمین جهت فوق‌الذکر واجب است که ابتدا در تکامل و ارتقای مادران و همشیره‌گان خودمان بکوشیم... باید غیرت

کرد که آینه‌ما پیروز و قابل افتخار بشود و

تنها وسیله رسیدن باین مقصود هم حسن تربیت نسوان و اولادهای ماست. ۱۳.

بر اساس نگره‌های نهادین در ساختار جوامع مردسالار، مرد معیار و شکل کامل بشری‌ست و از سهو و خطا میرا و زن موجودی که شر از او زاید و با لگام زدن بر او و کنترل کنش و منش وی توسط اصول، رسوم و سنت‌هایی که آن شکل تکامل یافته‌ی بشری تعیین کرده است، وی باید خوی ردیله را فرونهد و به خلق حمیده بگراید. در این هنگام که حسن تربیت نسوان محقق شد، چون تنها مشکل جامعه و سد راه رسیدن به پیروزی و افتخار حسن تربیت نسوان بوده، می‌توان پیروزی و افتخار را جشن گرفت.

و از این روست که پس از مادر، باید در تکامل و ارتقای اخلاق و احوال خواهران کوشید، چون تنها دونی ذاتی خلقی اناث بر طفل تأثیر می‌گذارد و پدران و برادران بدون تأثیر و خنثا شناسانده می‌شوند. این خنثایی به گونه‌ای که حتا آنان از صفات نیک سرشتین‌شان کودک را متأثر نمی‌کنند، احتمالاً بدان دلیل است که از اساس هیچ گونه ارتباط و رابطهای میان جنس مذکور و طفل گمان نمی‌شود و هیچ خط ارتباطی از نوع عاطفی، آموزشی و... پدران/ برادرانه را نمی‌توان متصور شد.

و اما پرسش‌های متن، پرسش‌های دیگری را نیز فرمایش می‌نهد و آن این که آیا اصولاً مادری که تنها یک راه برای ادامه‌ی زندگی پیش رو دارد و تنها در برگزیدن آن تنها راه موجود آزاد است و از لحاظ فکری، ذهنی و مادی به دیگران وابسته نگاه‌داشته شده، می‌تواند خود وجداناً آزاد باشد تا طفلی وجداناً آزاد بپرورد؟ و ایسا راستگویی و حق‌پسندی و عدالتخواهی مفاهیمی فردی‌ست که با تربیت نسوان و گرایاندن آنان بدان سو، بتوان مشکل برقراری این مفاهیم را در اجتماع رفع کرد؟ دروغ‌گویی و راست‌گویی، گزینشی فردی و بر اثر تربیت است یا حاصل روابط و مناسباتی که بین دروغ‌گویی و راست‌گویی، ریاکاری و صداقت انسان را وادار به انتخاب و برگزیدن یکی و رد دیگری می‌کند؟ آیا حق‌پسندی و عدالتخواهی با تقسیم دانش به زنانه و مردانه و سهم زنان دانستن علم بچه‌داری و خانه‌داری و شوهرداری و میراث مردان - از فرهنگ مرد سالارانه - پنداشتن امور مملکتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... تحقق یافته است؟ و در آخر این که آیا با آموزش خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری زنان به حقوق اجتماعی و مدنی و بشری خود آگاه می‌شوند که فرزندان آگاه از حقوق حقه‌ی خود بپرورند؟ و آیا زنان عرصه‌ای برای عزم جزم کردن - عزم امور منزل - دارند که عزم و مستقیم‌الرأیی به کارشان آید؟ و وقتی خود به کنج خانه رانده می‌شوند و خواست ارتقا و تکامل در اذهانشان، به ابعاد خانه‌هاشان قابل اندازه‌گیری‌ست، حال چگونه

می‌تواند تصویری از ارتقا و تکامل داشته باشند و فرزندان چنان صاحب عزم و خواهان تکامل و ارتقا تربیت‌کنند؟ نتیجه آن که در فرزندهای مرد سالارانه تکامل و ارتقای مادران و همشیرگان به سبب نسبت مادری و همشیرگی و امکان تأثیرگذاری (منفی) آنان برخلاصه و مقصود آفرینش (یعنی مردان) ضروری و واجب می‌نماید، نه از برای رشد و تعالی و پیشرفت خود آنان.

این گونه بحث‌ها در ضرورت آموختن علم و تحصیل دانش توسط زنان، یعنی توجیه این لزوم، با این استدلال که زنان برای آن که همسر و مادر بهتر و تواناتری باشند و در اجرای وظایفی که سامانه‌ی مردسالار بدانان سپرده، کامیاب‌تر، باید از آموزش‌هایی متناسب با وظیفه‌شان برخوردار باشند؛ از یک سو آغازی بود بر این که زین پس زنان نیز شایای سواد و دانش شمرده شوند و ذهنیت جامعه نیز برای تحصیل آنان آمادگی یابد و از سوی دیگر این گونه استدلال، ادامه‌ی همان تلقی و تعریف از زن بود، که زن را نه دارای هویتی مستقل و شایای تکامل و پیشرفت که پرورنده‌ی کودک و همسر مرد می‌پنداشتند و با این تعریف دانش آموزی او نیز فقط با لزوم آن برای کودک و همسر می‌توانست توجیه یپذیرد.

بخش دیگری از مطالب دانش خطاب به دوشیزگان است و در پی تصفیه‌ی اخلاق آنان. در این مطالب با زبانی پندآمیز و پراندرز، به تصفیه و تزکیه‌ی اخلاق دوشیزگان می‌پردازد و آنان را از اخلاق ردیله و گوش فرا دادن به فرمان نفس بدفرمای برحذر می‌دارد:

خطاب بدوشیزگان

همه‌ی ماها گناه‌کار هستیم پس نباید در

پی عیب‌جویی و گناه دیگران باشیم.

طعنه زدن، قهر کردن، روی درهم کشیدن تمام اسباب دل شکستن است از این اخلاق پرهیز نمائید! تمام ماها گناه‌کار سخت هستیم لکن بعضی اشخاص گناهشان مخفی و در ظاهر کم است و خداوند آگاه است لازم نیست که ما بدانیم بلکه تا میتوانیم باید خود را بی‌گناه نمائیم - پس باید با مردم خیرخواه باشیم و خوش روئی و خوش خلقی پیشه نمائیم - ...

باید دختران خوب همیشه در پی دلجویی مردم باشند اگر بیمار است از او عیادت نموده احوال پرسی کنند اگر فقیر است دستگیری نمایند و اگر محزون است و غمی دارد او را مشغول نمایند.

... یکی از صفات خوب تمجید و تحسین است در مقابل هر خوبی که مشاهد می‌نمایند. زیرا که یک آفرین سبب تشویق او میشود، و دلش خوشحال میگردد و بعد از این بیشتر سعی میکند که این کلمه را بشنود - همیشه درباره‌ی مردم خیال



خوب بکنید و بدگمانی را از خود دور نمائید و همواره نوعی رفتار کنید که گل خرمی و شادی از قلب شما بروید... همیشه خوشرو باشید زیرا که این حالت صدمات و زحمات را سبک مینماید گفته‌اند طوری زندگی کنید که وقتی برف حوادث بر سرتان می‌بارد گل‌های خرمی ز قلبتان بروید یعنی همیشه بشاش باشید و عبوس نباشید...^{۱۲}

*** خطاب بدختران ***

*** ثمره محبت ***

گمان میکنم که خوانندگان عزیز ما ملتفت باشند که در هر نقطه از نقاط دنیا برویم اشخاص اهل محبت پیدا میشوند... محبت برخلاف کبر و حسد و غیظ و غضب است شخص با محبت از تمام صفات ناپسندیده منزّه و مبرا است و بدبخت کسی است که از محبت دور و طبعش پیروی محبت ننماید که همیشه بی‌دوست و بدرورگار خواهد بود...^{۱۵}

در بخشی از مطالب نشریه‌ی دانش به نام کلمات حکمت‌آمیز، جملاتی قصار و خردمندانه (به زعم نگارنده‌اش) نقل شده است. یکی از آن سخنان نغز پر حکمت هوشیارانه این است:

زن هر چیزی را عفو می‌کند فقط کسی که ویرا نپسند بخشدن نتواند.

در امتداد این سخن که از آن بوی حکمتی از گونه و نگاه مردانه استشمام می‌شود، آموال و آرزوهای طایفه‌ی اناث در سراسر دنیا را تنها در نایل شدن به محبت شوهر (نه مهری دوسویه که از بنیاد، مرد مقتدری که ساختار مردسالار تخیل می‌کند، از دوست داشته شدن مستغنی‌ست) می‌نگارد:

طایفه‌ی اناث در تمام اطراف و اکناف دنیا دارای یک حس و یک امل و آرزو میباشند. این حس همانا نایل شدن بمحبت شوهر است. بدون محبت سعادت خانواده امکان ندارد. انتظام احوال زن و تعطر و آرایش که جالب نظر شوهر باشد لازم است. از اینروست که لزوم رعایت آداب و آرایش و... از اوامر شرعیه شمرده می‌شود.

گذشته از نگاه و زبان مردانه‌ی رسوخ و رسوب کرده، در درونه‌ی این نوشتار که تنها آرزو و آرمان زن را دستیابی به محبت مرد بر شمرده است، واکاوی ریشه‌ی نهان این تخیل‌های مبالغه‌آمیز مردانه را در این جا و می‌نهم و تنها خواستم بنزدیک‌ترین علت‌القای

این پندار که همانا بی‌آیند این تخیل یعنی خشوندی فزاینده‌ی است که در مرد مقتدر پنداشته شده‌ی سامانه‌ی مردسالار، از آن اندازه خواستی و دلخواسته‌ی زنان بودن و تنها امل و آرزوی آنان واقع شدن، ایجاد می‌شود به طور گذرا اشاره کنم اما بایسته است نمونه‌ای از دستورها و فرمان‌هایی که در این باره به زنان داده شده، فرادید آورم:

این جامه‌گلگون را از بر خود برکنید لباسی در بر کنید که رنگش پسندیده شوهر شما باشد و باعث سرور خاطرش شود تا تبسم نمای دوستی و محبتش شوید. آن شوهر که در رنج و محنت شریک و انباز شعاست و با هم یکی و همسر هستید! ابتسام میمون زوجیت و شوهریش را بجاذبه حال خود و آرایش (خواننده نشد) منور دارید... همیشه آرزو کنید که بوسیله‌ی زیبایی چهره اسباب سعادت شوی خودتان را که استناد گاه مقدس شعاست فراهم داشته و ملاطفتش نمائید... خانمهایی که سامعه روحشانرا بدین آهنگ غیبی فرا می‌دهند، هیچ‌گاه فریب نخواهند خورد.^{۱۶}

... خانمیکه میخواهد خوش منظر و جالب نظر گردد که هیچکس از مشاهده و مجالست او سیر نگردد پسند و مقبول بیافتد باید که هر روز جلو آینه رفته عوض آن توالنها که ضرر حفظالصحه و خرابی بشره است... بدین طور خود را قشنگ و مقبول نمایند که جلو آینه مشق تبسم و حالت خوش را نمایند بقدریکه این حالت عادت آنها گردد آنوقت صورت با جلوه و بشاش چشمان حالت خوش پیدا خواهد کرد که فوق بر همه توالت و تناسب اعضای دیگر خواهد شد...^{۱۷}

□ □

در شماره‌های در دسترس نشریه‌ی دانش، دو مطلب به طور مستقیم مربوط به مردان است. یکی از آن مطالب اخطار به مردان و جوانان است و دیگری رسم زن‌داری را به آنان می‌آموزد. تا این جا زبان و نگاه مردانه از درون جستارهای زنان در نشریه‌ی دانش در سخن بود و می‌آموخت و پند می‌داد و سفارش می‌کرد، یعنی فرهنگ‌های مردسالارانه از عمق، جهت‌دهنده و راه‌نمایندگی دیدگاه‌ها و گفتمان‌ها بود. و بدیهی‌ست که برای زدودن زنگار نگاه و زبان چیره و مسلط مردانه، در درونه‌ی نوشتارهای زنان و تغییر لحن گفتمان و استقلال یافتن اندیشه و هویت گرفتن تفکر زنانه بایست زمان به یاری می‌شتافت و این انتظار از آغاز سهو و بیهوده می‌نماید.

حال بنگریم به بخش‌هایی از دانش که مردان را مخاطب خود ساخته است:

اخطار

*** بمردان و جوانان ***

اگرچه در آداب اجتماعی ما بی‌مبالائیهای

● دانش... اگر از شوهر کاری دیدی که حقیقتاً غلط است و یا بعقیده شما غلط است بروی خود نیاورید و ایراد باو نگیرید زیرا از آن ایراد شوهر مکرر شده...

بسیاری هست ولی بعضی از آنها برای هیئت اجتماعی ما یک لکه ننگ و لوث پستی و دنائت است. یکی از این بی‌مبالائیهاییکه از ابتدا حکمفرما بوده و در این اوقات اخیر متأسفانه انبساط یافته رو به ازدیاد است همانا بچشم‌بد نگرستن جوانان و مردها بمخدرات و بانوان محترمه است. مردهای ما حرمت و احترامی را که حسب الدیانه و نزاکت مجبور از رعایت آن بزنان میباشند، فراموش کرده از خاطر بیرون می‌نمایند و حتی بعضی اوقات بیگانگان هم این عادات رذیله را عیب می‌گویند. این عادات پست و دون فطرتانه را که از خصلت مردانگی دور است با کمال جدیت با تمام قوای موجود در خود اعتراض کرده و بر این خوی زشت نفرین می‌گوئیم. اگر بعضی از نسوان موجب گستاخی و تشویق مردان شوند باز هم مزیت مردانگی آنست که از شرم عمل ناپسند دیگری سرخی خجالت برویشان نشسته و با وقر و سکونت باشند.^{۱۸}

این اخطار شدیدالحن به مردان، از آن رو توانست به عنوان اعتراضی بر جوانان و مردان گفته شود که اساساً همگون با فرهنگ‌های سنت و شرع است و بی‌شک مقوله‌ای دیگر با خواستی زن‌ورانه که همنا با مقتضیات سنت‌های مرد سالانه نباشد حتا اگر مخالفتی هم با شرع نداشت، نمی‌توانست امکان ابراز بیابد.

گفتنی‌ست که در این اعتراض نیز با وجود همگونی‌اش با اخلاق و ارزش‌های اجتماعی، لحنی آمیخته از درشتی و نرمی - نه تند و کوبنده - دیده می‌شود. خصلت مردانگی و مزیت و برتری مردان، تشویق و ترغیب و نرمی لحنی‌ست که نگارنده برای مجاب کردن آن مردان و جوانان زیر پا سپرده‌ی اخلاقی اجتماعی به کار می‌گیرد. در گمان مقایسه شود با تازیانه‌ی لحنی که بر زن خطای اخلاقی می‌توانست فرود آید.

در آغاز مطلب رسم زن‌داری، نگارنده توضیح می‌دهد که تاکنون تنها از شوهرداری و وظایف زن در برابر شوهر سخن گفته‌شده است و برای آن‌که زنان معترض نشوند و نگویند نشریه‌ی دانش، فقط هوای مردان را دارد، به رسم زن‌داری و ایراد تکالیف مرد می‌پردازد:

رسم زن داری

چون در این جریده شرح مبسوطی در خصوص شوهر داری گفته شد محض اینکه خانمهای محترمانه تعرض ننمایند که ما گفتیم خاطر زنان همیشه متعلق و متوجه مردان است و ما نباید دائما طرف مرد را داشته باشیم لازم شد که قدری از تکلیف مردها در مرحلهی زن داری بنویسیم.

گاهی از اوقات که مرد بخانه می آید زن بنای محبت را گذاشته تعریف از بعضی اشخاص و ترتیبات مردم یا از وضع زندهگی آنها و یا چیز تازه که دید از برای شوهر خود نقل مینماید و شوهر از آنجائیکه مراد است و همیشه در بیرون بوده و از همه چیز چشم و گوش او پر است و با زن اوقات تلخی نموده و خوش ندارد که گوش بصحبت او بدهد دیگر ملاحظه نمیکند که زن در خانه بوده و چیزی را تا بحال ندیده وقتی که گاهی بیرون می رود هرچه که بنظرش چیز تازه آمده برای شوهر حکایت می کند اما وقتی مرد این ملاحظات را بکند می تواند که با زن از روی تفقد و دلجوئی رفتار نماید...

... در همه اعیاد خاصه عید نوروز آنچه بالقوه و مقدور است هدیه از لوازمات زنانه برسم عیدانه تقدیم نمائید تا همسران شما دلخوش و امیدوار باشند و بدانند که شما در خیال خشنودی آنها هستید صحیح است که مرد مالک رقابت و صاحب اختیار خانه است ولی نباید که زن خانه و از اندازه خود تجاوز کند یعنی در صورتیکه زن کاردان و دانشمند است و نباید در کارهای او مداخله نمایند مگر نشوید گاهی که زن با شما هم رای و هم سلیقه نباشد اشکالاتی روی خواهد داد.

چونکه اگر هر دو هم رای و هم سلیقه باشید خوب و بد را بهتر تمیز میدید و در اثر مشورت منافع و فواید کلی میبیرید. وقتی که یک مطلبی را که راجع بامور زندگانی است نظر بملاحظه شما پسندیدید ولی بچند جهت دیگر که ممکن است شما ملتفت نشده باشید و خانم ملتفت شده باشد چه ضرر دارد که آن مطلب را مطرح مذاکره و شور کرد. معایب و مصالح آن را بدقت سنجیده و از روی تحقیق بان اقدام کنید و تا می توانید سخن را از آغاز تا انجام بملاطفت ادا کنید.

مرد همینکه بخانه می رود اگر زن را خوشحال و گشاده رو نبیند ایراد بگیرد و اظهار دلنگی ننماید زیرا که مگرر برای خودمان اتفاق می افتد که در بیرون در سر شغل و عمل گاهی یک اوقات تلخی پیدا میکند که در وقت ورود بخانه دل تنگ هستیم زن هم ممکن است در خانه یا



بواسطه مشقت خانه داری یا زحمت بچه داری و غیره خسته و دل تنگ باشد...

گویا نگارندهی متن رسم زن داری مرد است ضماین جمعی که نویسنده در چند سطر پایانی به کار می برد از جمله ازینرا که مکرر برای خودمان اتفاق می افتد که... این نکته را آشکارا نشانگر است.

در این توصیه ها و آموزش های رسم زن داری، شاید بهتر از دیگر نوشته های یاد شده بتوان وضعیت و اصرار بر تثبیت وضعیت سنت های درون خانواده ای در سامانهی مردسالار را دید. بنگرید به سفارشی که نگارندهی رسم زن داری درباری خرید لباس برای زنان به مردان می کند:

در خصوص لباسی زن بقدر امکان از هر آنچه یکه خوششان می آید بر وی ارائه نمایند و پیش از خریدن بر آنها نشان بدهید. میل خودتان را بر آنها اظهار بنمائید و از کدام دوخت پسندتان می آید بر آنها بگوئید تا به آن ترتیب درست کنند.

و نگارنده ضمن ترغیب شوهر به محبت و توجه کردن به زن، آن را مرداف و برابر با بخشیدن همهی دنیا به زن برمی شمارد:

... هیچوقت از جویا شدن احوال آنها قصور نورزید و هرگاه او را بی دماغ و دلتنگ یافتید بطور کامل از احوالش جویائی بکنید و دلجوئی کامل بدست بیاورید و همه قسم اسباب راحتی و آسودگی را فراهم بکنید چه اگر بکنید مثل این است که تمام دنیا را بانها داده اید.

و برای برانگیزش حس ترحم و دلسوزی مردان، جلب شفقت و رفع قساوتی که در نفس منش و فزنها مردمدارانه است و خود آن سنت مرد سالارانه موجبات فراهم شدنش را در ذهن و ضمیر مردان فراهم آورده، می گوید:

هر صبحی که از خانه بیرون میروید با دلخوشی و شادمانی از او جدائی نمائید چرا که چنانچه ذکر شد زن قلبش نرم میشود چه اگر شما را در اینحالت ببیند چون تک و تنها در خانه میماند و کسی را نمی بیند که

با آنها درد دل نماید تا بدین جهت تخفیف حزن و غم ایشان بشود لامحاله غصه می خورند و این باعث همه جور فسادها می شود بچهاره زن چه بکنند که در دنیا بعد از شماها امیدی ندارد بچهاره زن چه بکند آرزویش را تمام در رسایت و خوشنودی شما می بیند بچهاره زن چه بکند تمام نعمتها را و لذتها را در محبت و مهربانی شما میداند پس تورااست که هر وقت از آنها دوری جستی بطور دلگرمی و خوشحالی سوا بشوید...

گذار بر محتوای نشریهی دانش را به هدف بازآفرینی فضای نخستین نشریهی زنان در ایران و دریافت اندیشه، آرمان و خواست زنان آن هنگام طرح کردم - اگرچه براین باور نیستم که این نشریه آینهی تمام نمای خواست زنان جامعهی آن روزگار است - و کوشیدیم از این راه منظری باز ساخته شود تا اندیشه و منش و روش و تلاشی زنان را در نخستین نشریهی اختصاصی فعالیت مطبوعاتی، به تماشا و نظاره بنشینیم و سنگ آغاز گفتمان های ویژهی زنان را تا ادامهی منطقی اش در نشریات زنانهی امروز شاهد باشیم.

پانویشت:

۱. در کتابهایی چون زنان اندیشمند و روزنامه نگار ایران، پری شیخ الاسلامی، ص ۸۳ آمده است و امتیاز این نشریه از بانوان نبوده است، در حالی که در شناسنامهی دانش چنین موضوعی یازتاب نیافته. و نیز خانم شیخ الاسلامی دلیلی برای اثبات این مطلب ارائه نکرده اند.
۲. در نخستین سرمقالهی دانش، خانم دکتر کحال خود را چنین معرفی کرده: «این کمیته خانم دکتر صبیبه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدیدالاسلام و همچنین می دانیم که وی همسر دکتر حسین خان کحال بوده است.
۳. مجلهی دانش، ص ۲۸۴، چاپ کتابخانهی ملی جمهوری اسلامی ایران.
۴. ریزنامه مجلس، شماره ۶، سوال ۱۳۲۴.
۵. آیین پور بجای، از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۲۳.
۶. از ۳۰ شماره منتشر شدهی دانش، شماره های ۱ تا ۶ و ۱۴ و ۲۵ یعنی هشت شماره، در دسترس کتابخانهی ملی بوده و در نتیجه به چاپ رسیده است.
۷. دانش، چاپ کتابخانهی ملی، ص ۲۸۴.
۸. همان ص ۳۲۵.
۹. همان ص ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۲۶.
۱۰. همان ۲۸۲.
۱۱. همان.
۱۲. همان.
۱۳. همان.
۱۴. همان، ۲۸۶.
۱۵. همان، ۳۳۸.
۱۶. همان، ۲۹۶.
۱۷. همان، ۳۴۶.
۱۸. همان، ۲۹۲.
۱۹. همان ۳۰۵، ۳۳۰.
۲۰. همان.